



Shahid Beheshti University
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of History

Journal of History of Iran
Vol 17, No 1, Spring & Summer 2024
ISSN: 2008-7357 E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2024.234456.1291>

Research Paper

The Consequences of the Occupation of Iran in World War II on Postal and Telegraph Services

Marjan Borhani 

Assistant Professor, History Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. Email: Marjan.borhani@uk.ac.ir

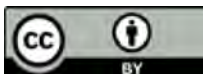
Received: 2024/01/13 PP 1-20 Accepted: 2024/03/28

Abstract

The invasion of British, Soviet, and American forces in September 1941 led to the abdication of Reza Shah, resulting in Iran's involuntary entry into a war that had various implications in political, economic, and social aspects. According to Article B of the Tripartite Agreement, the Iranian government was obliged to place all its communication facilities, including telephone, telegraph, and wireless services, at the disposal of the Allies. Thus, throughout the war, the Allied powers took control of telegraph and postal services. Documents indicate that the unrestricted operation of the Allies in employing the postal and telegraph communication system facilitated their full-scale interference in Iranian domestic affairs, leading to the disruption of the economic system and incurring numerous damages in various sectors of the Iranian economy. This research evaluates and investigates foreign domination over the postal and telegraph systems as an example of these consequences.

Keywords: Iran, World War II, Allies, Post, Telegraph.

Citation: Borhani, Marjan. 2024. *The Consequences of the Occupation of Iran in World War II on Postal and Telegraph Services*, Journal of History of Iran, spring and summer, Vol 17, no 1, PP 1-20.



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

While in recent years, there has been a growing trend of examining World War II and investigating its causes, backgrounds, and outcomes, many documents and records related to Iran are still preserved in archival centers in the form of data, which can provide a clear narrative of Iran's situation during and after the war. The present research aims to investigate the conditions of Iran in this period through the lens of the postal and telegraph situation, relying on the available documents in Iranian archival sources. This article seeks to answer the following questions: What were the effects of the Tripartite Agreement imposed on Iran, as a result of the occupation during World War II on the state of Iran's postal and telegraph services? What was the significance of interference in postal and telegraph services for the Allied governments? How did the Iranian government react to foreign interference? This research endeavors to provide clear answers to these questions by using documents and analyzing historical data.

Methodology

This article uses a descriptive-analytical approach. The subject is initially described comprehensively and then a historical analysis is conducted by utilizing the documents available in Iranian archives.

Results and Discussion

Following the occupation of the country by foreign forces during World War II, internal affairs in Iran were severely disrupted, and as a result, key sectors of the economy such as agriculture, industry, railways, postal and telegraph services, and foreign trade suffered serious damage. These events took place due to the presence of Allied forces. The Allies, through interfering in various political, economic, and social spheres during the war, took control of the country's vital administrative arteries, not only causing disruptions but also inflicting significant financial losses. One of the important economic sectors of the country was the postal and telegraph communication system, which, albeit at great expense, arrived in Iran with British and Russian support and it was a significant source of government revenue. With the occupation of Iran, this source of income fell into the hands of the Allied powers, leading to a decrease in its revenue. Disruption in the operations of merchants and traders, who relied on the postal and telegraph system to conduct business within and outside Iran, resulted in their financial losses. Reduction in the level of services provided by ministries, departments, and organizations related to

3 / The Consequences of the Occupation of Iran in World War II on Postal and ...

economic and financial matters, as well as the reduction in the government revenue due to people's payments for postal and telegraph expenses, are among the consequences of Allied interference in this crucial communication sector. With the occupation of Iran, not only did the postal and telegraph lose its role as an income source, but significant financial burdens were also imposed on the Iranian people and government.

Conclusion

Based on the research findings, the Allies, using the Tripartite Agreement, laid the groundwork for their direct interference in postal and telegraph services. This led to disruptions in trade, a reduction in the level of services provided by ministries, departments, and organizations related to economic and financial matters, a decrease in Iranian government revenue due to people's payments for postal and telegraph expenses, and ultimately, a reduction in government revenue from this important economic source.





دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

مجله تاریخ ایران

سال ۱۷، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۴۰۳

شاپا الکترونیکی: 2588-6916 شاپا: 2008-7357



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2024.234456.1291>

مقاله پژوهشی

پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر پست و تلگراف

مرجان برهانی

استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: Marjan.borhani@uk.ac.ir

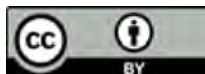
دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ صص ۱-۲۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

چکیده

هجوم نیروی انگلیس، شوروی و آمریکا در شهریور ۱۳۲۰ش (اگوست ۱۹۴۱م) به ایران و استعفای رضاشاه موجب شد ایران وارد جنگ ناخواسته‌ای گردد، جنگی که تبعات مختلفی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت و اثر عملی خود را به سرعت در وجوه مختلف جامعه نشان داد. در این تحقیق، تسلط دول خارجی بر پست و تلگراف به‌عنوان نمونه‌ای از این تبعات ارزیابی و بررسی شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با به‌کارگیری اسناد آرشیوی، در پی پاسخ به این پرسش است که حضور متفقین بر این وجه از سیستم ارتباطی کشور چه تأثیراتی داشت؟ براساس یافته‌های پژوهش، متفقین با انعقاد پیمان سه‌جانبه زمینه دخالت مستقیم خود را در امور مربوط به پست و تلگراف فراهم نمودند و این مداخله موجب اختلال در روند کار تاجران و بازرگانان، کاهش سطح خدمات وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌های مرتبط با امور اقتصادی و مالی، کاهش درآمد دولت ایران از بابت پرداخت‌های مردم برای هزینه‌های پستی و تلگرافی و در نهایت کاهش درآمد دولت از این منبع مهم اقتصادی گردید.

واژه‌های کلیدی: ایران، جنگ جهانی دوم، متفقین، پست، تلگراف.

استناد: برهانی، مرجان. ۱۴۰۳. پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر پست و تلگراف، مجله تاریخ ایران، بهار و تابستان، سال ۱۷، شماره ۱، ۲۰-۱.



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

در سال‌های اخیر پرداختن به جنگ جهانی دوم و بررسی علل، زمینه‌ها و نتایج حاصل از آن روند رو به رشدی داشته، اما هنوز بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به ایران در بایگانی مراکز اسنادی به صورت داده محفوظ است. بررسی این اسناد می‌تواند روایت روشنی از وضع ایران در دوره جنگ و پس از آن در اختیار ما قرار دهد. پژوهش حاضر در پی آن است با تکیه بر اسناد موجود در آرشیوهای سندی ایران، از دریچه وضعیت پست و تلگراف به بررسی شرایط ایران در این برهه بپردازد. در سحرگاه سوم شهریور سال ۱۳۲۰ نیروهای اشغالگر شوروی از شمال و انگلیس از جنوب به سوی ایران سرازیر شدند و با غافل‌گیری ارتش جوان ایران، تهران را اشغال کردند. طبق بند «ب» از ماده سوم پیمان سه‌جانبه، دولت ایران موظف گردید همه وسایل ارتباطی خود را که شامل تأسیسات تلفنی، تلگرافی و بی‌سیم نیز می‌گردید در اختیار متفقین قرار دهد. این‌گونه بود که دول متفق در تمام مدت جنگ خطوط تلگرافی و پستی را در اختیار خود داشتند. بر طبق اسناد موجود، عملکرد آزادانه متفقین در به‌کارگیری سیستم ارتباطی پست و تلگراف زمینه مداخله تمام‌عیار آنها را در امور داخلی ایران فراهم نمود که حاصل آن اختلال در سیستم اقتصادی کشور و وارد آمدن خسارات بی‌شمار به بخش‌های مختلف اقتصاد ایران بود. این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که اشغال ایران در جنگ جهانی دوم چه تأثیری بر وضعیت پست و تلگراف ایران داشت؟ در این پژوهش، با روش تحقیق تاریخی و با استفاده از رویکردهای تبیینی و توصیفی و به‌کارگیری روش پژوهش کتابخانه‌ای (اسنادی و آماری) کوشش می‌شود به سؤال مذکور پاسخ داده شود. لازم به ذکر است درباره پیامدهای اشغال ایران بر وضعیت پست و تلگراف تاکنون تألیف مستقلی انجام نشده است. به همین دلیل تکیه اصلی این پژوهش بر اسناد آرشیوی و سالنامه‌های آماری است و از طریق تجزیه و تحلیل این اسناد وضعیت متغیرهای گفته‌شده در ایران این سال‌ها روشن می‌گردد.

وضعیت پست پیش از اشغال

سابقه شکل‌گیری پست در ایران به دوران حکومت هخامنشیان برمی‌گردد. در این دوره جاده‌های نظامی و کاروانی اصلاح و نوسازی شد و در بسیاری از آنها چاپارخانه و ایستگاه‌های بازرسی به وجود آمد (خدادادیان، ۱۳۸۱، ۱۲۲). این شیوه پس از هخامنشیان نیز ادامه یافت. با سقوط دولت ساسانیان، اعراب به دلیل ناآشنایی با شیوه‌های حکومتی، از همان شیوه تشکیلاتی ایرانیان برای اداره امور استفاده نمودند که یکی از آنها اقتباسات دیوان برید بود (زیدان، ۱۳۷۹، ۱۸۵).

تا زمان حکومت صفوی پیک و چاپار فقط مخصوص سلاطین و امرا بود که در آن زمان از چهارپایان

به خصوص اسب استفاده می‌شد. اما مردم عادی از این حق محروم بودند و در مواقع ضروری به ناچار مسافرت می‌کردند و یا از طریق مسافران دیگر به انجام مقصود خود مبادرت می‌نمودند. در سال ۱۲۶۷ق (۱۸۵۱م) چاپارخانه‌های منظم و پست تأسیس شد (خان‌بابایی، ۱۳۷۶، ۵۰). در سال ۱۲۹۰ق (۱۸۷۳م) در جریان سفر ناصرالدین شاه به اتریش چند مأمور پستی استخدام شدند تا به تأسیس نهاد پست در ایران مبادرت ورزند. سرانجام در سال ۱۲۹۲ق (۱۸۷۵م) پست ایران با تشکیلات جدید راه‌اندازی شد (همان، ۲۷-۲۵). در دوران حکومت پهلوی پست توسعه یافت و زمانی که قاسم‌خان صوراسرافیل در ۱۲ خرداد ۱۳۰۶ش (۳ ژوئن ۱۹۲۷م) نخست کفالت و سپس وزارت پست را بر عهده گرفت، این امر شتاب پیدا کرد که افزایش شعبه‌های پستی، ایجاد مدرسه پست و تلگراف و اعزام محصل به اروپا از جمله اقدامات وی بود (پژمان، بی‌تا، ۲۸۸-۲۸۹). همچنین مؤسسه هواپیمایی آلمانی یونکرس^۱ به موجب قراردادی که در سال ۱۳۰۴ش (۱۹۲۵م) به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود، حمل مرسولات پستی در داخل ایران را عهده‌دار گردید و بنابراین، به تدریج در بعضی خطوط مهم مانند تهران، قزوین، همدان به کرمانشاه، تهران به پهلوی و تهران به اصفهان سرویس پستی هوایی برقرار شد. علاوه بر اینکه نقاط داخلی از پست بهره‌مند شدند، پست هوایی ایران با ممالک دیگر نیز ارتباط برقرار کرد. ولی به دلایلی از فروردین ۱۳۱۱ش (آوریل ۱۹۳۲م) مؤسسه یونکرس سرویس خود را در ایران برچید.^۲ بعد از این ماجرا وزارت پست و تلگراف درصدد برآمد تعدادی هواپیما تهیه و پست هوایی را دوباره راه‌اندازی نماید. برای اجرای این منظور اقدامات لازم به عمل آمد و پست هوایی از تاریخ ۹ آذر ۱۳۱۶ش (۳۰ نوامبر ۱۹۳۷م) بین تهران و کرمانشاه دایر شد و از تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ش (۱۵ مارس ۱۹۳۸م) خط هوایی به بغداد امتداد یافت و سپس در خطوط تهران به اصفهان، شیراز به بوشهر و... افتتاح گردید. در ادامه چون شرکت‌های مختلف هواپیمایی به وجود آمد، بنا بر مقتضیات، حمل پست هوایی در بعضی از خطوط کشور به شرکت سهامی هواپیمایی ایران واگذار شد و فقط پست خط تهران-کرمانشاه و بغداد به وسیله هواپیماهای وزارت خارجه هفته‌ای دو مرتبه حمل می‌شد (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۳۳).

بررسی آمار نشان می‌دهد که خطوط پستی در این دوره افزایش چشمگیری دارد، به طوری که مجموع خطوط پستی در همه مسیرهای حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی در سال ۱۳۰۵ش آماری بالغ بر

1. Junkers

۲. هنگامی که به تصویب مجلس سرویس پستی هوایی ایران به شرکت یونکرس واگذار شد، این شرکت تعهد کرد خط هوایی چین را نیز از تهران عبور دهد، اما دلایلی چند منجر به تعطیلی کار این شرکت گردید. ضرر و زیان شرکت در گذر خط هوایی چین از تهران، از دست رفتن چند فروند از هواپیماهای شرکت در اثر سوانح هوایی، نبود مسافر کافی در خطوط هوایی ایران و هزینه ناچیز حمل و نقل پستی روی هم رفته باعث گردید شرکت چندان به کار خود رغبتی نشان ندهد و سرانجام در ۵ فروردین ۱۳۱۱ حمل پست را متوقف کند و یک ماه بعد هم دستگاه خود را به کلی برچیند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ۵۶).

۲۰۶۱۹ کیلومتر را دربردارد و این در حالی است که در سال ۱۳۲۰ ش بیش از ۸ هزار کیلومتر به خطوط حمل و نقل پستی کشور افزوده می‌شود و این میزان به ۲۹۲۹۸ کیلومتر می‌رسد.

جدول ۱. حمل و نقل در خطوط پستی (کیلومتر) (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۳۳)

سال	گاری	پیک سواره	پیک پیاده	راه آهن	قایق و کشتی	هوایی	جمع
۱۳۰۰	۵۳۵۶	۶۳۱۱	۶۹۱۶	-	-	-	۱۸۸۵۳
۱۳۰۵	۲۶۷۸	۴۷۵۵	۴۸۴۲	-	۸۱	۱۷۴۹	۲۰۶۱۹
۱۳۱۰	-	۵۷۸۴	۴۸۷۷	۳۱۲	۹۴	۲۶۸۷	۲۵۴۲۲
۱۳۱۵	-	۸۴۶۱	۳۰۴۰	۷۸۲	۱۵۶	-	۲۵۳۸۹
۱۳۲۰	-	۱۳۳۷۵	۴۳۸	۱۳۹۵	۸۱	-	۲۹۲۹۸

بررسی آمار عملیات پستی در فاصله سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ حاکی از توسعه ارتباطات کشور از طریق این راه ارتباطی و نیز توجه دولت به بهبود وضعیت آن است. در سال ۱۳۰۵ میزان ۵,۸۲۲,۵۰۴ عدد بسته پستی در داخل کشور جابه‌جا و تعداد ۳,۱۵۷,۶۰۰ عدد بسته پستی به کشور وارد و یا از آن صادر شده است. این رقم در سال اشغال ایران در قسمت داخلی سه برابر می‌شود و به بیش از ۱۷ میلیون می‌رسد. نیز در بخش ورود قسمت خارجی هرچند با کاهش روبه‌رو است، در بخش صدور خارجی افزایش می‌یابد.

جدول ۲. آمار عملیات پستی (همان)

سال	داخله	خارج (ورود)	خارج (صدور)
۱۳۰۰	۳۳۸۰۲۳۴	۱۱۴۸۸۶	۳۵۸۰۱۶
۱۳۰۵	۵۸۲۲۵۰۴	۲۲۱۴۳۸۶	۹۴۳۳۳۲
۱۳۱۰	۱۱۱۰۰۶۰۱	۳۱۹۷۷۵۹	۱۳۶۵۸۶۴
۱۳۱۵	۱۴۲۸۰۸۱۲	۴۳۱۵۰۷۰	۱۴۶۸۴۴۸
۱۳۲۰	۱۷۷۷۲۲۸۰	۱۶۷۱۳۷۷	۱۳۱۳۴۶۱

در تأسیس مراکز پستی نیز در دوره پهلوی اول اهتمام ویژه‌ای به کار می‌رود، به طوری که برای نمونه تعداد دفاتر پستی از ۲۲۲ دفتر در سال ۱۳۰۵ به ۴۰۹ دفتر می‌رسد و نزدیک به دو برابر افزایش در آن مشاهده می‌گردد.

جدول ۳. تأسیسات پستی (همان)

سال	دفتر پستی	دفتر تلگراف	شعبه پست	صندوق پست	دفتر بیسیم
۱۳۰۰	۱۹۳	۱۴۳	۲۶	۱۲۷	-
۱۳۰۵	۲۲۲	۱۶۳	۱۸	۱۲۲	-
۱۳۱۰	۲۴۷	۱۸۲	۳۸	۱۷۷	-
۱۳۱۵	۲۹۷	۲۱۵	۴۳	۴۷۴	۹
۱۳۲۰	۴۰۹	۲۵۱	۳۶	۵۰۶	۱۰

وضعیت تلگراف پیش از اشغال

در سال ۱۲۷۵ ق (۱۸۵۸ م) به همت مسیو کرشش^۱، معلم توپخانه، یک رشته سیم برای امور تلگرافی از عمارت سلطنتی شهر به باغ لاله‌زار کشیده شد که مسافت آن در حدود یک کیلومتر بود. درست یک سال بعد، در سال ۱۲۷۶ ق (۱۸۵۹ م)، رشته سیم دیگری در سلیمانیه (۳۹ کیلومتری تهران) به اهتمام علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه کشیده شد و به تدریج تلگراف تا عمارت سلطانیه زنجان، محل اردوی سلطنتی، امتداد یافت. ناصرالدین شاه در همان سال به سفر زنجان رفت و خبر ورودش را برای نخستین بار از طریق تلگراف به تهران اطلاع دادند. سی تن از شاگردان دارالفنون در اداره تلگراف مشغول به کار شدند و برخی از آنها نیز برای یادگیری فن تلگراف به تفلیس اعزام گردیدند. در سال ۱۲۷۷ ق (۱۸۶۰ م) رابطه تلگرافی بین تهران تا تبریز نیز برقرار شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ۱۹۶).

پس از آنکه تأسیسات و تجهیزات اولیه احداث خطوط تلگراف در ایران برپا گردید، دولت انگلیس برای برقراری ارتباط نزدیک‌تر میان اروپا و هندوستان در صدد برآمد از طریق کمپانی هند و اروپا در جنوب کشور و نیز به کمک شرکت زیمنس و هالسکه^۲ در فاصله میان تهران تا جلفا خطوط تلگرافی تأسیس نماید. در این زمینه قراردادهایی منعقد و طبق آن مقرر شد در سال ۱۲۷۸ ق (۱۸۶۲ م) خطوط تلگرافی خانقین به تهران و تهران به بوشهر، بلوچستان و خلیج فارس دایر گردد و نیز در سال ۱۲۸۴ ق (۱۸۶۸ م) خطوط تلگرافی تهران به تبریز و جلفا کشیده شود. به این ترتیب، روابط تلگرافی میان اروپا و هند از طریق ایران امکان‌پذیر گشت. گفتنی است به موجب قراردادهای تمام هزینه‌های تأسیس خطوط مختلف از طرف شرکت به دولت ایران پرداخت شد. بعداً اعلام شد که قسمتی از هزینه خرید سیم‌ها و ایجاد تشکیلات اداری برای مخابرات داخلی بر عهده خود ایرانی‌ها بوده است و به تبع آن، درآمدش هم به خزانه دولت برمی‌گردد. قسمت دیگر یعنی امور مربوط به مخابرات ترانزیتی شرکت و تشکیلات اداری

1. Korchech

2. Siemens & Halske

آن در دست خود شرکت بود و همه ساله مبلغی به نرخ رایج بین‌المللی از این بابت به دولت ایران پرداخت می‌شد. پس از آن، در فاصله سال‌های ۱۲۷۸ تا ۱۳۳۸ ق (۱۹۲۰-۱۸۶۲ م) ۱۰ قرارداد تلگرافی میان ایران و اروپا بسته شد که نتیجه آن ایجاد ۸ خط تلگرافی به طول ۵۸۵۳ کیلومتر بود (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۴۱-۴۲).

خطوط تلگرافی در عصر پهلوی روند جهشی داشت، به طوری که طول خطوط تلگرافی از ۱۳۸۴۲ کیلومتر در سال ۱۳۰۵ ش به ۲۰۵۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۲۰ ش و طول سیم تلگراف از ۲۳۹۶۱ کیلومتر به ۳۰۹۷۷ کیلومتر رسید. جدول زیر این روند روبه‌رشد را با جزئیات دقیق‌تری نشان می‌دهد.

جدول ۴. خطوط تلگرافی (کیلومتر) (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۵۵)

سال	طول خط	طول سیم
۱۳۰۰	۱۲۱۰۳	۲۱۵۷۱
۱۳۰۵	۱۳۸۴۲	۲۳۹۶۱
۱۳۱۰	۱۵۴۶۳	۲۶۵۸۵
۱۳۱۵	۱۸۲۹۷	۳۰۰۲۴
۱۳۲۰	۲۰۵۰۰	۳۳۴۹۷

در میزان عملیات تلگرافی رشد قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌گردد. در سال ۱۳۰۵ ش تعداد کل تلگراف‌هایی که سیستم تلگرافی کل کشور در داخل ارسال می‌کند ۷۳۵۷۳۷ تلگراف است که در سال ۱۳۲۰ ش به بیش از دو برابر افزایش می‌یابد و به ۱۹۵۲۸۶۷ تلگراف می‌رسد. در بخش تلگرافات خارجی نیز این افزایش محسوس است که نشان‌دهنده رونق این سیستم ارتباطی و سودآوری آن است.

جدول ۵. آمار عملیات تلگرافی (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۵۴)

سال	تعداد تلگرافات داخلی	تعداد تلگرافات خارجی
۱۳۰۰	۱۰۱۷۱۶	۴۶۲۸۱
۱۳۰۵	۷۳۵۷۳۷	۱۰۴۵۵۹
۱۳۱۰	۹۴۱۸۷۲	۱۳۰۳۱۲
۱۳۱۵	۱۸۰۳۰۲۱	۱۶۲۳۷۹
۱۳۲۰	۱۹۵۲۸۶۷	۲۲۹۲۷۵

دفاتر تلگرافی نیز در این دوره افزایش می‌یابد و از ۱۶۳ مرکز تلگرافی در سال ۱۳۰۵ ش به ۲۵۱ مرکز در سال ۱۳۲۰ ش می‌رسد (سالنامه پست و تلگراف، ش ۳۲، ۵۴).

با نگاهی به تاریخچه پست و تلگراف و بررسی آماری تحولات این نهاد ارتباطی در دوره رضاشاه آشکار می‌گردد که هر چند اقدامات اولیه در جهت ایجاد این مرکز در دوران قاجار انجام می‌گیرد، در عصر رضاشاه به‌عنوان یکی از مؤسسات تمدنی کشور به طور گسترده و به‌روزتری به کمک مستشاران اروپایی رشد می‌کند و نقطه تحولی در اقتصاد می‌گردد.

جنگ جهانی دوم و اشغال ایران

با شروع جنگ دوم بین‌الملل و حضور آلمان‌ها در ایران، دو دولت انگلیس و شوروی از این حضور ناخشنود شدند و به این نتیجه رسیدند که در اخراج آلمان‌ها از ایران نباید درنگ کرد (Iran political diaries, 1997, 37). بولارد سفیر انگلیس در ایران در خاطرات خود موقعیت آلمانی‌ها را در ایران خطرناک می‌داند و می‌گوید: «قسمت اعظم تجارت خارجی ایران اعم از صادرات و واردات را آلمان‌ها بر عهده داشتند و بعدها ما فهمیدیم که آنها از موقعیت خود برای فعالیت غیرتجارتی استفاده می‌کرده‌اند» (Bullard, 1961, 221). رضاشاه هشدار انگلیس در خصوص اخراج آلمان‌ها را جدی نمی‌گرفت و پیوسته اطمینان می‌داد که تمام خارجی‌های مقیم ایران شناخته شده و تحت کنترل‌اند و چند آلمانی هم که وضع مشکوکی داشته‌اند از کشور خارج شده‌اند (Ibid, 226).

با تعلق شاه، انگلیس که منافع خود را در خطر دید با کمک متفقین و برای بستن نفوذ آلمان در ایران به این کشور حمله کرد و در سوم شهریور ۱۳۲۰ ش (۲۵ اوت ۱۹۴۱ م) ایران به اشغال نیروهای متفقین درآمد (Iran political diaries, 1997, 387). در نیمه‌شب این روز، سفیران شوروی و انگلیس در تهران به دیدار علی منصور نخست‌وزیر وقت رفتند و طی یادداشت‌های مشابهی به دولت ایران اعلام کردند که نیروهای ارتشی آن دو دولت به‌زودی از مرزهای ایران خواهند گذشت. همزمان با این اقدام، مولوتوف وزیر امور خارجه شوروی، در ساعت یک نیمه‌شب سوم شهریور، ساعد سفیر کبیر ایران را در شوروی احضار کرد و از ورود ارتش شوروی به خاک ایران خبر داد. اعتراضات دولت ایران به جایی نرسید و سربازان روسیه و انگلیس در صبح سوم شهریور (۲۵ آگوست) وارد ایران شدند. شاه در ۶ شهریور (۲۸ آگوست) به سربازانش دستور داد دیگر مقاومت نکنند و به فاصله چند روز تمام مناطق اشغال شد (Ibid, 387). نیروهای انگلیس از دو جبهه وارد شدند. یک ستون از طریق خانقین و از راه کرمانشاه و همدان به قزوین رسید و ستون دیگر از جانب خاک عراق به سرزمین‌های جنوب غربی در خوزستان حمله برد. عملیات ناوگان دریایی انگلیس در بندر شاهیپور (امام خمینی کنونی) متمرکز شده بود (Ibid, 485).

واقعیت امر این است که حضور آلمان‌ها در ایران تنها بهانه‌ای به دست متفقین داد تا به ایران حمله و آن

را اشغال کنند. زیرا آلمان‌ها با شروع جنگ جهانی دوم چشم طمع به ایران ندوختند. در واقع از مدت‌ها قبل باب همکاری تجاری بین تهران و برلین باز شده بود، هرچند دو طرف غیر از همکاری تجاری، اهداف دیگری را هم دنبال می‌کردند، به خصوص رضاشاه می‌خواست با ایجاد نیروی سومی در کشورش در قدرت روسیه و انگلیس تعادل ایجاد کند (kozubavno, 2012, 489). اساساً بزرگ نمودن مسئله حضور کارشناسان آلمانی، تحت عنوان ستون پنجم نازی، پرده‌ای بر سیاست‌های ازپیش تعیین شده بود. در حقیقت متفقین می‌خواستند از شرایط ویژه ایران، به عنوان پل پیروزی و دروازه شرق، بدون دردسر و توقع و بدون هزینه و جر و بحث استفاده کنند (مؤمن، ۱۳۸۹، ۱۵۹). یکی از این سیاست‌های ازپیش تعیین شده مسئله کمک‌رسانی به روسیه بود. هنگامی که جنگ میان آلمان و روسیه آغاز شد، در ابتدا انگلیس و آمریکا هیچ قصدی برای کمک‌رسانی نظامی به روسیه نداشتند. در هفته اول جنگ که مرزهای روسیه مورد حمله شدید آلمان قرار گرفت، این کشورها تنها از دور نظاره‌گر ماجرا بودند و حمایت سیاسی از روسیه را کافی می‌دیدند. تنها در چند مورد سربازانی را برای کمک به روسیه فرستادند که آنها هم غالباً به دست نازی‌ها کشته شدند. بنابراین، از آغاز جنگ تا پایان سال ۱۹۴۱ (۱۳۱۹ش) ایده کمک نظامی به روسیه اصلاً وجود نداشت و ضروری هم نمی‌نمود. در ژوئن ۱۹۴۱ (تیر ۱۳۲۰) کشور انگلستان به ناگاه احساس خطر کرد و تصمیم گرفت به روسیه کمک کند. از مهم‌ترین عواملی که موجب این سیاست گردید، پیروزی‌های پی در پی آلمان در جبهه‌های مختلف اروپا و آسیا، در دست گرفتن حکومت عراق توسط رشیدالدین گیلانی عامل آلمان و امکان حمله آلمان به هند بود که نتیجه آن تهدید همه مناطق نفتی انگلیس در خاورمیانه بود (kozubavno, 2012, 492). مجموع این عوامل سبب شد که مسئله حضور آلمان‌ها در ایران بهانه شود و متفقین ضمن نقض سیاست بی‌طرفی ایران، به این کشور حمله کنند.

مداخله متفقین در امور پستی و تلگرافی

با اشغال ایران و واگذاری اجباری تأسیسات دولتی به متفقین، دول متفق برای آنکه اقدامات خود را مشروع و قانونی جلوه دهند، پیشنهاد انعقاد پیمان سه‌جانبه‌ای را به دولت ایران دادند. بنابراین، دولت‌های شوروی و انگلستان و ایران در ۹ بهمن ۱۳۲۰ش (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲م) در تهران مبادرت به عقد و امضای پیمان دوستی و اتحاد نمودند. در این پیمان که دارای نه فصل بود، ضمن تأکید بر حفظ تمامیت و استقلال ایران، بی‌طرفی این کشور در جنگ کنار گذاشته شد و مجوز استفاده از تمام راه‌های زمینی، دریایی و هوایی، بنادر، لوله‌های انتقال نفت، تأسیسات تلفنی و تلگرافی به شوروی و انگلیس داده شد. در مقابل متفقین تعهد کردند که تمام مساعی خود را برای مقابله با تضيیقات اقتصادی ایران به کار برند

و با اتمام جنگ از ایران خارج شوند (استادوخ، س ۱۳۲۱، کارتن ۲۲، پرونده ۵۴، سند ۸). اما اساس مداخله متفقین در امور پستی و تلگرافی به استناد بند «ب» ۱ و «د» ۲ از فصل سوم قرارداد مذکور بود که اجازه استفاده از پست و تلگراف و همچنین سانسور آن را به متفقین می‌داد. بدین سان متفقین بدون توجه به نیازهای داخلی ایران برای رفع احتیاجات خود بخش‌های مهم پستی و تلگرافی ایران را اشغال کردند که این امر سبب مختل شدن سیستم ارتباطات در ایران گردید (همان، س ۱۳۲۰، کارتن ۱۸، پرونده ۵۴، سند ۱۳).

در ماه‌های نخست حضور متفقین در ایران، احتیاجات نیروی شوروی توسط سیم‌های تلگراف وزارت خارجه ایران رفع می‌گردید. پس از مدتی روس‌ها در برخی نواحی از قبیل ساری، بابل، شاهی (قائم‌شهر کنونی)، فیروزکوه، تهران و در قسمت خط کناره، نوشهر، چالوس و تنکابن به طور جداگانه اقدام به سیم‌کشی چندرشته‌ای کردند، اما همچنان خطوط این وزارتخانه را نیز در اختیار خود نگاه داشتند. به خاطر این اقدام رابطه بسیاری از شهرها با هم تا مدتی قطع شد و مذاکرات متعدد با مأمورین شوروی در جهت رفع آن نتیجه‌ای نداشت (همان، س ۱۳۲۲، کارتن ۱۴، پرونده ۱۳،۳، سند ۵).

کشور انگلیس هم پس از اشغال ایران، به منظور رفع حوائج خود، خواستار واگذاری بی‌سیم شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان شد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۲، سند ۳۷، ۱۱۴). با گذشت مدتی اندک، خط تلگراف قزوین به خانقین از راه کرمانشاه و همدان و خط اندیمشک-خرم‌آباد را نیز تصرف و در نهایت اعلام کرد که همه خطوط تلگرافی و تلفنی ایران باید در اختیار انگلیس قرار گیرد. در مقابل این درخواست وزارت تلگراف اعلام کرد که واگذاری کامل خط به انگلیس باعث خلل در امور مخابرات می‌گردد و بهتر است تنها ساعات مشخصی از روز خط در اختیار ایشان قرار گیرد، آن هم در ازای دریافت مبلغی پول. لیکن انگلیس با این استدلال که واگذاری خط در ساعات معین احتیاجات نیروی انگلیس را رفع نمی‌کند، با این مسئله موافقت نکرد و خواست همه سیم‌ها به آنها تحویل داده شود تا روی آن دستگاه مخصوصی به کار انداخته شود (همان، سند ۴۰، ۱۲۵). بدین ترتیب، این بخش حیاتی از وسایل ارتباطی ایران به آسانی در اختیار متفقین قرار گرفت و کاملاً از دست ایرانیان خارج گشت.

پیامدهای مداخله متفقین

پس از اینکه متفقین تمام خطوط مهم پستی و تلگرافی ایران را در اختیار گرفتند، با توجه به مصالح خود

۱. «برای عبور لشکریان یا مهمات از یک دولت متحد به دول متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر به دول متحد حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران به کار برند و نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به هر نحوی که مقتضی بداند در دست بگیرند. راه‌های آهن و راه‌ها و رودخانه‌ها و میدان‌های هوایمایی و بنادر و لوله‌های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی‌سیم مشمول این فقره می‌باشند» (استادوخ، س ۱۳۲۲، کارتن ۲۲، پرونده ۵۴، ۱، سند ۱۶، ۸).

۲. «به اتفاق دول متحد هر گونه عملیات سانسوری که نسبت به وسایل ارتباطیه مذکور لازم بداند برقرار کنند و نگاه بدارند» (همان).

شروع به بهره‌برداری از آنها نمودند. این امر پیامدهایی داشت:

سانسور

از نخستین تبعات واگذاری سیستم ارتباطات کشور به متفقین، ایجاد مشکل سانسور بود. سرویس سانسور متفقین در ایران به محض در دست گرفتن خطوط ارتباطی ایران، برای آنکه از جریان اطلاعات مربوط به مخابرات پستی و تلگرافی که «مضر به منافع دول متفقین» بود جلوگیری کند، مقرراتی را برای اداره آن وضع نمود که در رأس آن سانسور مخابرات پستی، تلگرافی، تلفنی و رادیو بود. این سانسور ظاهراً از طرف کمیسیون مشترک انگلیس، شوروی و ایران انجام می‌گرفت. علاوه بر این، کمیسیون مرکزی تعدادی مرکز سانسور ثانویه در نقاطی از ایالات جنوبی تحت ریاست انگلیسی‌ها و در شمال تحت ریاست شوروی تأسیس کرد. تمامی مخابرات پستی و تلگرافی میان ایران و سایر کشورها از قبیل پست‌های معمولی، سفارشی، مراسلات بیمه، مطبوعات، بسته‌های پستی، فیلم‌های سینما، تلگراف، مخابرات رادیویی و همه مکاتبات عبوری بایستی برای سانسور تسلیم اداره سانسور متفقین می‌گردید (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۲، سند ۱، ۳).

متفقین به ظاهر دولت ایران را در جریان سانسور ذی‌حق دانستند و عضوی از کمیسیون سه‌گانه خود قرار دادند، اما در عمل با ایجاد مراکز سانسور ثانویه در مناطق تحت نفوذشان، تمام مذاکرات و مکاتبات داخلی و خارجی ایرانی‌ها را زیر نظر گرفتند. ناگفته نماند که در این مقررات سانسور استثنائاتی نیز قائل گردیدند. مکاتبات دولتی ایران، مکاتبات هیئت‌های سیاسی و کنسولگری‌های دول بیگانه که با دولت‌های سه‌گانه روابط سیاسی داشتند، نمایندگان بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی و خبرگزاری تاس در ایران از این جمله است (همان، سند ۱، ۵). با وضع این قانون سفارت انگلیس از ایران خواست که از طریق آموزش‌دهی به کارمندان اداره گمرک ترتیبی دهد که همه امانات وارده و صادره در اختیار مأمورین سانسور گذارده شود و هیچ یک از مسافرین نمی‌بایست بسته‌ای از کشور خارج کند مگر اینکه از طرف مقامات اداره سانسور مهر و امضا شده باشد (همان، سند ۹، ۳۲).

طبعاً اجرای این قانون برای شهروندان ایرانی مشکلاتی را فراهم آورد و همین امر منجر به اعتراض آنها و به‌خصوص تجار گشت. علت اعتراض تجار این بود که از تعداد بی‌شمار تلگرافی که آنها برای سامان‌دهی کار تجارت ارسال می‌کردند، تعداد خیلی کمی به دست صاحبان آنها می‌رسید و باقی بدون اطلاع‌رسانی به ذینفع آن در اداره سانسور سرگردان می‌ماند. نامه‌ای که در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۲۱ ش برخی تجار به وزارت بازرگانی ارسال کرده‌اند این مسئله را به‌خوبی نشان می‌دهد:

حوالجاتی در لندن و نیویورک و سوئیس از طرف مشتری‌ها پرداخت می‌شود و مهم‌ترین این

حوالجات توسط بانک‌ها بوده که هیچ‌گونه غل و غشی ندارد. با این همه ماه‌ها می‌گذرد که از این وجوه خبری نمی‌شود و اکثر تلگرافات در سانسور می‌ماند و از این راه ضرر هنگفتی به اقتصادیات وارد می‌شود (همان، سند ۳۶، ۱۱۱).

بدین شکل قانون سانسور منجر به ایجاد مشکل در سیستم اقتصادی کشور گردید. در مقابل اعتراض و درخواست بازرگانان برای تغییر این وضع، بولارد سفیر انگلیس اعلام کرد این مسئله از مقررات سانسور است که در همه کشورهای اجرا می‌شود و خاص ایران نیست و نمی‌توان برای رفع آن کاری کرد (همان، سند ۳۹/۱، ۱۲۱-۱۲۲).

علاوه بر این، سانسور تلگراف‌های مأموران و نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی مقیم ایران نیز مسئله‌ساز شد. هرچند این گروه از سانسور مستثنا شده بودند، با پیشنهاد دول متفق همه تلگرافات میسیون‌های خارجی و حتی دولت بریتانیا برای بازرسی به اداره سانسور فرستاده می‌شد. این مسئله با قوانین بین‌المللی منافات داشت، زیرا مطابق مقررات مزبور نمایندگان سیاسی حق داشتند با دولت متبوع خود مخابره پستی برقرار کنند و برای مخابرات تلگرافی رمز به کار برند و همچنین نزد دولت متبوع خود پیک‌هایی بفرستند و مأمورین محلی و مرزی به هیچ وجه مجاز نبودند مرسولات را تفتیش کنند. در واقع مصونیت مسکن، قضا و سایر امتیازات لازمه مأموریت آنها بود و کنترل مخابراتشان به معنی سلب آزادی ایشان بود (همان، سند ۳۹، ۱۲۰). به‌رغم مکاتبات دولت ایران بر سر این موضوع، نهایتاً دولت انگلیس با پافشاری بولارد بر سر حرف خود باقی ماند که تمام تلگراف‌ها باید لزوماً از اداره سانسور این دو دولت عبور نماید.

تفتیش امانات

از دیگر تبعات واگذاری سیستم ارتباطات کشور به متفقین تفتیش امانات بود. دول اشغالگر به سانسور مکالمات و مخابرات اکتفا نکردند و با حضور نمایندگان سانسور متفقین در اداره گمرک، امانات پستی نیز بازرسی و تفتیش می‌شدند (همان، سند ۳۸، ۱۱۸). متفقین به بهانه تأمین امنیت سربازان خود بسته‌های پستی را بازرسی می‌کردند، امری که خسارات زیادی در پی داشت؛ «بازدید بسته‌های پستی توسط نیروی‌های اشغالگر شوروی باعث اختلال و بی‌نظمی در امور پستی شده و اغلب کیسه‌ها و امانات پستی در نتیجه این بازرسی خراب و ضایع می‌شود» (استادوخ، س ۱۳۲۲، کارتن ۱۴، پرونده ۱۳،۳، سند ۴۳). مشابه این اقدام را انگلیسی‌ها نیز انجام دادند. طبق گزارش وزارت پست و تلگراف به وزارت خارجه، مأمورین دولت انگلیس مرسولات پستی ترانزیتی را که از ایران به کشورهای بیگانه صادر و یا از خارج به

ایران فرستاده می‌شد، در سنگاپور، بمبئی، کراچی، حیفا و بغداد سانسور و بعضی از آنها را توقیف می‌کردند (همان، س ۱۳۱۹، کارتن ۱۸، پرونده ۹۳، سند ۱). طبق اسناد، وزارت امور خارجه مراتب این امر را به سفارت شاهنشاهی در لندن مخابره کرد و دستور داد که با مقامات مربوط انگلیسی در این خصوص مذاکره شود، لیکن مقامات انگلیسی پاسخ دادند که بازرسی مرسولات پستی دول بی طرف دیرزمانی است که معمول است و با مقررات بین‌الملل منافات ندارد! پاسخی که خلاف واقع بود (همان، سند ۲). مطابق ماده ۲۶ پیمان پستی همگانی که در تاریخ ۱۹۳۹م در بوینوس آیرس منعقد شده بود و فقره اول از ماده ۱۰۳ آیین‌نامه مربوط به آزادی ترانزیت پستی در تمام کشورهای عضو اتحادیه پستی، ادارات پستی هر یک از کشورهای عضو مکلف و ملزم بودند مرسولات ترانزیتی یکدیگر را از کوتاه‌ترین راهی که برای مرسولات خود معمول می‌داشتند، روانه نمایند. بنابراین، درخصوص موضوع فوق‌الذکر در دوازدهمین جلسه کمیسیون شماره یک پستی در آوریل ۱۹۳۹م با حضور نماینده دولت انگلیس مذاکره شد و این کمیسیون ماده ۲۶ پیمان پستی همگانی و ماده ۱۰۳ آیین‌نامه را این‌طور تفسیر نمود که مرسولات ترانزیتی به هیچ وجه نمی‌توانند بازرسی و یا ضبط شوند (البته به استثنای مرسولات درج‌شده در ماده ۴۶ پیمان پستی که عبارت است از: الف. اشیایی که جنساً و یا به واسطه طرز باربندی خطرناک باشند، ب. اشیایی که مشمول حقوق گمرکی می‌باشند، پ. تریاک، مرفین و مواد مشابه، ت. مواد منفجره، ث. اشیای منافی اخلاق و عفت). بنابراین، بازرسی‌های دولت انگلیس مجاز نیست و برخلاف متن صریح اسناد است (همان، سند ۲).

غارت اموال

دخالت اشغالگران موجبات غارت اموال ادارات پست و تلگراف را در نقاط مختلف کشور از جمله آذربایجان، مهاباد و همدان فراهم آورد. مطابق اسناد، در شهریور ۱۳۲۰ش (سپتامبر ۱۹۴۱م) نامه‌ای حاکی از قطع شدن همه سیم‌های آذربایجان، توقیف شعب مکالمه و غارت انبارها و مغازه‌ها به وزارت خارجه رسید. تلگرافی به همین مضمون نیز که حاکی از تعطیلی تمام مکالمات، بلا تکلیفی و خسارات هنگفت بود به اطلاع این وزارتخانه رسید که تقاضای آزادی مکالمات و اجازه اصلاح خطوط برچیده و غارت‌شده را داشت (همان، س ۱۳۲۰، کارتن ۱۸، پرونده ۳۶، سند ۶). مشابه همین گزارش درخصوص مهاباد، میاندوآب و سقز نیز اعلام شده است (همان، سند ۷). علاوه بر این، به دلیل مداخله دول گاه ارتباط بین شهرستان‌ها به کلی قطع می‌گردید. در این خصوص تلگراف‌های متعددی از شهرهای شیراز، اصفهان، کاشان، یزد، کرمان، آباد و بوشهر به پایتخت می‌رسید که همگی حاکی از وضع نامرتب حمل و نقل مرسولات پستی بود (ساکما، ش. م. ۲۰۴۹-۲۹۳، سند ۴۴). مأمورین شوروی هنگام حمل

مرسوله‌های پستی، به‌رغم حضور نیروی ژاندارم، دخالت می‌کردند و مانع از ادامه مسیر می‌گشتند و بدین ترتیب ارتباط پستی بسیاری از نقاط قطع می‌گردید که این امر «امور کلیه ادارات دولتی و تجارتخانه‌ها و بنگاه‌ها و روابط اشخاص و معاملات و عهود و ایقاعات را فلج» نمود (اطلاعات، ش ۴۹۱۵، ۱).

اختلال در روند خدمات‌رسانی

علاوه بر موارد فوق‌الذکر که به صورت کیفی نشان‌دهنده اختلال در روند امور پستی و تلگرافی است، آمار و ارقام به‌جای‌مانده نیز صحنه‌ای بر این مدعاست که پست و تلگراف ایران در روند خدمات‌رسانی خود دچار اختلال شده بود. در بخش مرسولات داخلی در سال ۱۳۲۰ ش نسبت به سال ۱۳۱۹ ش ۴/۴۴۳/۵۸۲ عدد کاهش مشاهده می‌گردد که این امر در سال ۱۳۲۱ ش تشدید شد و به ۴/۶۷۲/۰۰۰ عدد رسید. همچنین تعداد امانت‌های پستی در سال ۱۳۲۰ ش نسبت به سال ۱۳۱۹ ش ۹۴۹۸۰ عدد کاهش داشت که این امر در سال ۱۳۲۱ ش ادامه یافت و به ۲۹۱۶ عدد رسید. در بخش مرسولات خارجی نیز این کاهش به چشم می‌خورد. در حالی که در سال ۱۳۱۹ ش میزان ۱۵۹۹۰۴۰ بسته پستی فرستاده شد، در سال ۱۳۲۰ ش این میزان به ۱۳۱۳۴۶۱ و در سال ۱۳۲۱ ش به ۸۸۸۴۰۷ عدد رسید که به‌خوبی نشان‌دهنده روند رو به کاهش مرسولات در این بخش است (سالنامه پست و تلگراف، ش ۲۶، ۱۱۵).

در پی اختلال سیستم پست و تلگراف ایران، روند احداث تأسیسات هم با کاهش روبه‌رو شد. مثلاً در سال ۱۳۰۰ ش ۱۹۳ دفتر پست در ایران وجود داشت که این رقم در سال ۱۳۰۵ ش افزایش یافت و به ۲۲۲ دفتر رسید. آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۰ ش تعداد ۲۵ دفتر به میزان قبل افزوده شد. در آستانه اشغال ایران تعداد این دفاتر به ۴۰۹ عدد رسید. اما این میزان در سال ۱۳۲۵ ش کاهش یافت و به ۳۹۶ مرکز پستی رسید. این آمار نشانگر آن است که در طول مدت جنگ با وجود افزایش کارکرد سیستم پست کشور، نه‌تنها احداث و ایجاد دفاتر پستی رشدی نکرد بلکه به دلیل آشفتگی اوضاع از همان میزان قبلی نیز کاسته شد (همان، ۵۴).

جدول ۶. تأسیسات پستی (سالنامه پست و تلگراف، ش ۲۶، ۵۵)

سال	دفتر پست	شعبه پست	صندوق پست	دفتر بی‌سیم
۱۳۲۰	۴۰۹	۳۶	۵۰۶	۱۰
۱۳۲۵	۳۹۶	۲۹	۳۷۵	۱۰
۱۳۲۶	۴۱۴	۲۹	۴۵۹	۱۴

توسعه خطوط تلگرافی نیز بر اثر اشغال مختل گردید. طبق آمار از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش هر ساله با افزایش طول خطوط تلگرافی و طول سیم‌ها مواجه هستیم، به طوری که طول خطوط از میزان ۱۲۱۰۳ کیلومتر در سال ۱۳۰۰ ش به ۲۰۵۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۲۰ ش می‌رسد. طول سیم نیز با افزایش چشمگیری از ۲۱۵۷۱ کیلومتر در سال ۱۳۰۰ ش به ۳۳۴۹۷ کیلومتر در سال ۱۳۲۰ ش می‌رسد. اما در سال‌های اشغال نه تنها پیشرفتی مشاهده نمی‌شود بلکه این روند با کاهش نیز مواجه می‌گردد، به طوری که توسعه طول خطوط در سال ۱۳۲۵ ش حدود ۱۲/۵ درصد و طول سیم در همین سال حدود ۹ درصد کاهش می‌یابد (همان، ۵۵).

جدول ۷. توسعه خطوط تلگرافی (سالنامه پست و تلگراف، ش ۲۶، ۵۵)

سال	طول خط	طول سیم
۱۳۲۰	۲۰۵۰۰	۳۳۴۹۷
۱۳۲۵	۱۷۹۳۱	۳۰۹۹۷
۱۳۲۶	۱۸۴۸۸	۳۳۴۳۹

کاهش درآمدها

تأثیر دیگر عملکرد اشغالگران بر سیستم ارتباطات کشور، کاهش درآمدهای وزارت پست و تلگراف بود که بر روند کل بودجه ایران مؤثر واقع گردید. پیش از جنگ جهانی دوم عایدات ناخالص پست و تلگراف بر مخارج ناخالص فزونی داشت، اما بعد از اشغال ایران توسط متفقین، مخارج ناخالص به میزان قابل ملاحظه‌ای بر دریافت‌های ناخالص اثر گذاشت (باری‌یر، ۱۳۶۳، ۲۱۰). با مقایسه درآمد وزارت پست و تلگراف در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ش کاهش عواید به خوبی مشخص می‌گردد:

جدول ۸. مقایسه درآمد وزارت پست و تلگراف و تلفن (سالنامه پست و تلگراف، ش ۲۸، ۲۲۰)

ردیف	شرح	۱۳۲۲	۱۳۲۱	افزایش	کاهش
۱	درآمد پست	۲۴۰۱۲۱۹۴	۱۷۸۱۹۴۱۰	۶۱۳۲۷۸۴	-
۲	درآمد تلگراف	۷۳۶۹۹۴۴۵	۷۷۹۳۷۴۷۶	-	۴۲۳۸۰۳۱
۳	درآمد متفرقه	۲۱۱۷۵۴	۲۰۴۹۹۸۹	-	۱۸۳۸۲۳۵
۴	بهای مرسولات ارتش و ژاندارمری	۸۸۰۰۰۰۰	۱۱۸۲۹۳۴۱	-	۳۰۲۹۳۴۱
جمع		۱۰۶۷۳۳۳۹۴	۱۰۹۶۹۶۲۱۶		

۱. طول خط، فاصله مسیر یک شهر تا شهر دیگر است. اما هنگامی که این مسیر سیم‌کشی مخابراتی می‌شود، چون سیم‌ها دارای انحنای خمیدگی‌هایی در طول مسیر هستند، طول سیم‌هایی که کشیده می‌شود، معمولاً از طول مسیر خط بیشتر است.

مطابق جدول، در سال ۱۳۲۲ ش مبلغ ۴,۲۳۸,۰۳۱ ریال کاهش در درآمدهای تلگرافی، مبلغ ۳,۰۲۹,۳۴۱ ریال کاهش در درآمدهای ارتش و ژاندارمری و مبلغ ۱,۸۳۸,۲۳۵ ریال کسری در درآمدهای متفرقه پست و تلگراف و تلفن مشاهده می‌گردد. تنها مورد افزایش درآمد در این وزارتخانه مربوط به بخش پست است که در سال ۱۳۲۲ ش ۶,۱۳۲,۷۸۴ ریال نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

صدمات و خسارات

مداخلات متفقین در امور مربوط به پست و تلگراف خساراتی به همراه داشت. در سال ۱۳۲۰ ش مبلغ ۸۸۷۹۲۷۰/۵۰ ریال مستقیماً به وزارت پست و تلگراف و تلفن خسارت وارد گردید. این میزان در سال ۱۳۲۱ ش با ۱۱۰۷۴۸۰۰/۱ ریال افزایش به ۱۹۹۵۴۰۷۰/۵۶ ریال، و در سال ۱۳۲۲ ش به نسبت سال قبل با ۸۸۷۹۲۷۰/۴۶ ریال افزایش به ۲۵۵۶۵۳۹۵/۳۰ ریال رسید. اما به یک‌باره در سال ۱۳۲۳ ش کاهش چشمگیری کرد و به ۲۶۶۱۵ ریال رسید که دلیل آن را شاید بتوان در ثبات سیستم تلگرافی کشور و کشیده شدن کامل خطوط مورد نظر دانست که از این رهگذر آسیب کمتری متوجه کشور گردید. آنچه واضح است در طول اشغال ایران مجموعاً مبلغ ۵۴۴۲۵۳۵۱/۴ ریال خسارت متوجه این وزارتخانه گردید. در کنار این، به مؤسسات فرعی که وابسته به وزارت پست بودند نیز خسارتی بالغ بر ۱۶۴۸۶۸۶۲/۱۰ ریال وارد شد. جدول زیر خسارات وارد شده را با جزئیات بیشتری نشان می‌دهد.

جدول ۸. صدمات وارد شده به پست و تلگراف کشور (استادوخ، س ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، سند ۱۱۳)

اسامی ادارات	۱۳۲۰	۱۳۲۱	۱۳۲۲	۱۳۲۳
خسارات وارده در شهریور ۱۳۲۰	۱۰۲۹۸	۹۶۷۱	۳۴۲۶۹	۲۴۴۱۵
اداره سیم‌کشی و تعمیرات	۳۸۵۰۲			
اداره مرکزی پست	۲۲۰۵۶۶/۲۵		۱۰۲۶/۴۰	۲۲۰۰
اداره مرکزی تلگراف	۶۱۵۴۷۶۳/۲۰	۹۹۵۴۴۲۶/۶۵	۲۴۷۳۰۰۹۶/۹۰	
اداره کارپردازی	۴۱۶۸۷۳/۸۵			
اداره کارگزینی	۴۸۳۴۰۷/۲۰			
اداره بی‌سیم	۱۵۵۴۸۹۰		۴۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰
جمع کل	۸۸۷۹۲۷۰/۵۰	۱۹۹۵۴۰۷۰/۵۶	۲۵۵۶۵۳۹۵/۳۰	۲۶۶۱۵

نتیجه‌گیری

به دنبال اشغال کشور توسط نیروهای بیگانه در جنگ جهانی دوم، شیرازهٔ امور داخلی ایران به شدت از هم گسست و بخش‌های کلیدی اقتصاد چون کشاورزی، صنعت، راه‌آهن، پست و تلگراف و بازرگانی خارجی بر اثر اشغال دچار آسیب جدی گردید. همهٔ این رخدادها به سبب حضور ارتش متفقین صورت گرفت. متفقین با مداخله در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در طی جنگ شریان‌های حیاتی ادارهٔ کشور را در دست گرفتند و نه تنها در ادارهٔ امور خلل ایجاد کردند، بلکه خسارات مالی فراوانی نیز به بار آوردند. در پاسخ به این سؤال که آیا اشغال ایران بر سیستم پست و تلگراف تأثیری داشت یا خیر، باید اذعان نمود که سیستم ارتباط پستی و تلگرافی از جمله بخش‌های مهم اقتصادی کشور بود که با صرف هزینه‌های بسیار هر چند با حمایت دول انگلیس و روسیه وارد ایران شد و یکی از راه‌های مهم کسب درآمد دولت بود. اما با اشغال ایران این منبع کسب درآمد در اختیار دول متفق قرار گرفت و این امر منجر به کاهش رسالت درآمدزایی آن گردید. از دیگر تبعات دخالت متفقین در این بخش مهم ارتباطی کشور این موارد بود: الف. اختلال در روند کار تاجران و بازرگانان که برای انجام دادن امور جاری در نقاط مختلف کشور و همچنین در خارج از ایران به سیستم پست و تلگراف نیاز ضروری داشتند؛ ب. کاهش سطح خدمات وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌های مرتبط با امور اقتصادی و مالی؛ ج. کاهش درآمد دولت ایران از بابت پرداخت‌های مردم برای هزینه‌های پستی و تلگرافی. در واقع با اشغال ایران نه تنها پست و تلگراف نقش تولید درآمد خود را از دست داد، بلکه خسارت‌های کلانی به این مجموعه وارد شد که بار مالی جبران‌ناپذیری بر دوش ملت و دولت ایران گذاشت.

References

- Documents of the Occupation of Iran in World War II, Vol. 1 and 2, Research and Documentation Center of the Presidency, Tehran, 2007.
- Barry, Julian, "The Economy of Iran (1279 to 1349)," Specialized Research Center of Accounting and Auditing Organization of National Industries, Tehran, 1984.
- Pezhman, H., "History of Post, Telegraph, and Telephone," Ali Akbar Helmi Printing House and Bookstore, Tehran.
- Khanbabaie, Vali, "Post and Telegraph," Hamrahe Ketab Institute, Tehran, 1997.
- Khodadadian, Ardeshir, "The Achaemenids," 2nd Edition, Be-did Publications, Tehran, 2002.
- Roznameh Etel'at Newspaper, Issue 4915, 31 Khordad 1321 (20 June 1942).
- Zidan, George, "History of Islamic Civilization," translated by Ali Javaherkalam, 9th Edition, Amir Kabir Publications, Tehran, 2000.

Yearbook of Post and Telegraph, Issue 32, Year 1326 (March 1947 to March 1948).

Yearbook of Post and Telegraph, Issue 26, Year 1320 (March 1941 to March 1942).

Yearbook of Post and Telegraph, Issue 28, Year 1322 (March 1943 to March 1944).

Mohabbati Ardakani, Hossein, "History of Modern Civil Institutions in Iran," Vol. 2, Tehran University Press, Tehran, 1978.

Iran political diaries, volume11:1939-1942, General Editor: Dr. R. M.Burrell, Research Editor: RobertL. Jarman, London, 1997.

Bullard, Sir Reader, The camel must go, Faber and Faber, London, 1961.

Ministry of Foreign Affairs Archives:

Year 1319 (1940), Carton 18, Folder 93, Page 1-2

Year 1320 (1941), Carton 16, Folder 56, Page 113

Year 1320 (1941), Carton 18, Folder 36, Page 6-7

Year 1320 (1941), Carton 18, Folder 54, Page 13

Year 1321 (1942), Carton 22, Folder 54.1, Page 8.16

Year 1322 (1943), Carton 14, Folder 13.3, Page 5

